

# بازداشت محمود صالحی و سیاست رژیم اسلامی

## علت مستقیم این بازداشت

هر چند ظاهراً محمود صالحی بدین علت بازداشت شده که حکمی که قبلاً در مورد او صادر شده بود به اجرا گذاشته شود اما بازداشت او در این لحظه به منظور ارباب فعالان کارگری و پیشگیری از تدارک آکسیون های اول ماه مه در ایران صورت گرفته است. بازداشت آموزگاران در همدان نیز این امر را تأیید می کند.

## علل بنیادی تر و عمیق تر این بازداشت ها

جنبش های اعتراضی ماه های اخیر در ایران نشانگر وسعت یابی و رادیکالیزه شدن نسبی آنهاست. در ۱۶ آذر ۱۳۸۵ شاهد برآمد جنبش دانشجویان چپ و رادیکال بودیم که با شعارها و شیوه حرکت خود وارد میدان شدند که در سال های اخیر بی سابقه بود؛ به همین طریق می توان از مقابله افشاگرانه دانشجویان پلی تکنیک با احمدی نژاد و اعتراض شدیدشان به او یاد کرد.

کمی بعد شاهد جنبش زنان در ایران شدیم. در این جا نیز با شکل گیری جریانی رادیکال مواجهیم که جنبش زنان را به یک رشته خواست های مدنی یا حقوقی - آن هم با چشمداشت کمک از بالا- محدود نمی کند و یا صرفاً مسئله خشونت بر زنان در خانه را برجسته نمی سازد، بلکه می کوشد مسئله زن را در همه ابعاد حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن ببیند و مطرح سازد. جهت گیری جنبش زنان در بین توده مردم، بسیج «زنان نخبه» بورژوا و زنان روشنفکری که در خدمت بورژوازی اند نیست. جنبش بورژوائی زنان تنها برای دست یابی به حقوق برابر با مردان بورژوا مبارزه می کند. اما بسیج زنان کارگر و زحمتکش و سازماندهی آنان، برای آنچنان تغییرات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که هم وضع زنان و هم وضع جامعه را از ریشه دگرگون کند. این گرایش، جنبش زنان را از جنبش کارگری جدا نمی داند و خواستار پیوند نزدیک با آن است.

یک نمونه دیگر از گرایش جنبش به رادیکال شدن، تظاهرات و گردهمایی هزاران معلم به مدت چند روز در مقابل مجلس است که با سرکوب معلمان، زد و خورد خیابانی و دستگیری های وسیع همراه

بود. دو نکته مهم در جنبش معلمان چشمگیر بود: یکی آنکه در این تظاهرات عکس یا شعار حکومتی دیده نمی شد و موضوع دیگر آنکه مسئله معلمان با افشاگری مهم ترین نهادهای تصمیم گیری کشور یعنی شورای نگهبان، حکومت و مجلس و اعتراض معلمان به این سه نهاد پیوند داده شده بود (ضمن آنکه خواستار استعفای وزیر آموزش و پرورش هم بودند). جنبش معلمان به رغم سرکوب آن در تهران، در شهرهای کرمانشاه و همدان ادامه یافت و در روزهای اخیر شاهد دستگیری چند معلم در کرمانشاه و بیش از چهل معلم در همدان بودیم.

همچنین در ماه های اخیر شاهد ادامه درگیری ها و کش و قوس هایی بین مقامات حکومتی و سندیکای کارگران شرکت واحد و نیز عقب نشینی های این سندیکا به ویژه در زمینه شیوه برخوردش به نهادهای بورژوائی و حکومتی بودیم.

حرکات اعتراضی کارگران در شهرهای دیگر نیز به طور پراکنده وجود داشت و ادامه دارد. این مجموعه در کنار تلاش های پراکنده برای اتحاد عمل بین فعالان کارگری - هر چند این تلاش ها با درک عمیق از علل پراکندگی به عمل نمی آید و بنابراین به راه چاره قطعی نائل نمی شود - باعث شده اند حکومت فشارهای خود بر جنبش کارگری را افزایش دهد. بازداشت محمود صالحی را در این چشم انداز عمومی نیز باید در مد نظر قرار داد.

## اوضاع منطقه ای و بین المللی و سیاست داخلی و خارجی رژیم

رژیم اسلامی ایران برای حفظ حاکمیت و گسترش نفوذ خود در منطقه خاورمیانه و در آرزوی کسب هژمونی منطقه ای از هیچ تلاشی خودداری نمی کند و برای اینها دست به هر کاری می زند. این تلاش رژیم اسلامی در شرائطی صورت می گیرد که از چند سال پیش امپریالیسم آمریکا برای گسترش سلطه خود به مهم ترین حربه یعنی تهاجم نظامی به منطقه و اشغال آن روی آورده است و از طریق فشار سیاسی، اقتصادی و تهدید نظامی - تهدیدی که خوشختانه شرائط تحقق آن روز به روز دشوارتر می شود - می کوشد جمهوری اسلامی را با سیاست و استراتژی خود همراه سازد. رژیم اسلامی مخالفی اصولی با این امر ندارد و بارها سردمداران آن به دولت های امپریالیستی اعلام کرده اند که خواهان وضعیتی اند که در آن منافع همه تأمین شود، اما آنان خواهان تضمین بقای خود و نیز سهم بیشتری در این معامله هستند. آنان برای رسیدن بدین هدف و به طور کلی برای تداوم سلطه ننگین خود و گسترش آن علاوه بر اینکه بخش عظیمی از منابع اقتصادی و انسانی کشور را صرف برنامه های نظامی و یا قابل تبدیل به امکانات نظامی می کنند، در عرصه نیروهای طبقاتی و سیاسی

داخلی و منطقه ای نیز می کوشند شرایط مساعدی برای خود فراهم سازند. در عرصه داخلی سیاست جمهوری اسلامی عبارت است از سرکوب نیروهای چپ و جریان های مستقل کارگری و کشاندن بخشی از نیروهای اپوزیسیون بورژوائی و خرده بورژوائی به سمت خود و یا دست کم خنثی کردن آنها با تکیه بر نه فقط ملی گرایی بلکه شووینیسم و برتری ایرانی که با مذاق بخش قابل ملاحظه ای از به اصطلاح روشنفکران جور درمی آید. بیهوده نیست که برخی از نیروهائی که خود را چپ یا کمونیست می نامند برده وار شعار حکومتی « انرژی هسته ای حق مسلم ماست » را تکرار می کنند. در عرصه منطقه ای سیاست رژیم اسلامی در چارچوب اهداف عمومی پان اسلامیستی با تکیه بر تقویت جریان شیعی از عراق و لبنان گرفته تا طائف و سوریه، و آلت دست قرار دادن مسئله فلسطین یعنی جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه فلسطینیان و تلاش برای تضعیف اسرائیل است. هدف جمهوری اسلامی از جنگ تبلیغاتی و سیاسی با اسرائیل نه تأمین حقوق مردم فلسطین بلکه این است که جانشین اسرائیل همچون قدرت برتر منطقه شود، رژیم اسلامی مدت هاست این آرزوی دیرینه را در سر می پرورد.

جمهوری اسلامی از سالها پیش این سیاست را دنبال می کند، اما از زمان سقوط طالبان و به ویژه سقوط رژیم بعث عراق و فرو رفتن امپریالیسم آمریکا در باتلاق جنگ در این کشور و نیز موانع سیاسی، اقتصادی و نظامی ای که دولت آمریکا برای به راه انداختن جنگ جدید با آن روبروست، رژیم اسلامی خود را به تحقق سیاست هژمونی طلبانه اش در منطقه خاورمیانه نزدیک تر می بیند. روشن است که احتمال پیروزی جمهوری اسلامی در این نبرد هژمونی طلبانه منطقه ای، کم است و در صورت پیروزی هم، آینده بسیار تاریک و پر اختناقی در انتظار توده مردم ایران و کل منطقه خواهد بود. شعار خامنه ای مبنی بر « اتحاد ملی و انسجام اسلامی » در واقع ترکیب شووینیسم منحنی ایرانی با پان اسلامیسم ارتجاعی است که هر دو دشمن خطرناک جنبش کارگری و جنبش دموکراتیک اند، هر دو در جهت ایجاد تفرقه کارگران ایران در بین خود، و بین آنان با کارگران منطقه - اعم از افغان، عرب، ترک، کرد و غیره - و ایجاد و تقویت کینه ها و کشتارهای ملی، مذهبی، قومی و نژادی اند.

رژیم جمهوری اسلامی - اگر نه آگاهانه دست کم به طور غریزی - می داند که اگر کارگران ایران سیاست و تشکل مستقل خود و به ویژه حزب سیاسی خود و سندیکاهای مستقل از دولت، کارفرما، نهادهای دینی و احزاب داشته باشند مانعی جدی در برابر سیاست ارتجاعی پان اسلامیستی - شووینیستی این رژیم خواهند بود و ماهیت ارتجاعی « وفاق ملی » را که این رژیم تبلیغ می کند و متأسفانه برخی در درون جنبش کارگری هم در دام آن افتاده اند برای همه مردم افشا خواهند کرد. این است که رژیم می کوشد تشکل ها، گروه های آنها، و فعالان را سرکوب و در نطفه خفه کند.

دستگیری ها و بگیری و ببندهای اخیر و از جمله بازداشت محمود صالحی از این زاویه هم قابل تأمل

است.

## در مبارزه با رژیم اسلامی چه باید کرد؟

برای دفاع از جنبش کارگری ایران، برای مقابله با سیاست ضد کارگری و به طور کلی سیاست ارتجاعی و خطرناک رژیم جمهوری اسلامی، باید در این لحظه با تمام نیرو برای آزادی بی قید و شرط محمود صالحی و همه فعالان جنبش کارگری از جمله معلمان و آزادی همه زندانیان سیاسی، مبارزه کرد. باید ماهیت رژیم جمهوری اسلامی را برای کارگران ایران و کشورهای دیگر و اتحادیه های کارگری و دیگر سازمان های مستقل کارگران فاش نمود و با نمونه های روشن نشان داد که ایران جهنم کارگران و زحمتکشان و بهشت سرمایه داران بومی و جهانی است. باید به ترویج و تبلیغ ضرورت مبارزه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از منظر منافع طبقه کارگر پرداخت و به طور خلاصه باید مبارزه سیاسی کارگری را در رأس همه اشکال مبارزه و همه اشکال متنوع نهادهای کارگری در جهت انقلاب پرولتاری قرار داد.

**همه کارگران مبارز زندانی از جمله محمود صالحی و معلمان**

**بازداشت شده و همه زندانیان سیاسی باید بی درنگ آزاد گردند!**

۲۲ فروردین ۱۳۸۶، ۱۱ آوریل ۲۰۰۷

جمعی از کمونیستهای ایران ( آذرخش )

[www.azarakhsh-org.net](http://www.azarakhsh-org.net)

[azarakhshi@gmail.com](mailto:azarakhshi@gmail.com)